

# نگاهی به تأثیرات انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات بر فرهنگ ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۱۰

تاریخ تأیید مقاله: ۹۳/۱/۳۰

مصطفی محمدی \*

قربانعلی محبوبی \*\*

## چکیده

اگر چه در طول قرون گذشته همواره روابط فرهنگی میان کشورها با شدت و ضعف همراه بوده، ولی حجم آن محدود و در حد اقدامات نمادین بوده است. امروزه در سایه انقلاب ارتباطات، بر حجم ارتباطات فرهنگی بین کشورها افزوده شده و حتی از سطح دولت‌ها فراتر رفته و بین مردم و سازمان‌های غیر دولتی در نقاط مختلف جهان، رشد چشمگیری یافته است. انقلاب اطلاعات و ارتباطات، تأثیرات دو سویه بر فرهنگ در جهان معاصر گذاشته است: از یک سو، فرصت‌هایی را برای فرهنگ به وجود آورده و از سوی دیگر، تهدیدهای متفاوتی را متوجه فرهنگ‌های ضعیف و محلی نموده است که امروز با خطر تهاجم فرهنگی روبه‌رویند. فرهنگ کشورهای مختلف جهان سوم، امروزه تحت تهاجم فرهنگی فرهنگ غربی قرار دارند که کشور ایران هم یکی از آنهاست. لذا حفظ امنیت فرهنگی یکی از دغدغه‌های مهم و اساسی کشورها در عصر انقلاب اطلاعات و ارتباطات است. از این رو، مقاله حاضر ضمن بررسی تأثیرات انقلاب اطلاعات و ارتباطات بر فرهنگ، نقش فناوری‌های جدید و تأثیرات آنها را بر فرهنگ ایرانی مورد بررسی و مطالعه قرار داده است.

**واژگان کلیدی:** انقلاب اطلاعات و ارتباطات، فرهنگ، جهانی‌شدن، امنیت فرهنگی، تهاجم فرهنگی، امپریالیسم فرهنگی.

## ۱. مقدمه

## الف) بیان مسئله

«فناوری اطلاعات و ارتباطات»<sup>۱</sup> که تا آغاز قرن بیستم بارزترین جلوه خود را در صنعت مطبوعات متجلی ساخته بود، امروزه با انقلاب دیجیتالی ماهواره‌های مخابراتی، ارتباطات رایانه‌ای و سایر فناوری‌های نوین ارتباطی، تمامی مناسبات و محاسبات جهانی را دستخوش تحول و دگرگونی عمیق ساخته است (فرقانی، ۱۳۸۴: ۴۸). امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات در حال تأثیرگذاری بر همه مراحل زندگی است. از مهم‌ترین حوزه‌ها و زمینه‌هایی که تحت تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی دچار چالش و تغییر شده، فرهنگ و امنیت فرهنگی<sup>۲</sup> است. امنیت فرهنگی به معنی قابلیت و توانایی حکومت‌ها در حفظ و دفاع از ارزش‌ها، ایده‌ها، هویت و به طور کلی فرهنگ خاص یک جامعه است؛ به نحوی که این شاکله، تشکیل‌دهنده ساختار فرهنگی ملی یک کشور در داخل سیستم دولت-ملت و متمایزکننده ملت یک کشور از کشورهای دیگر است. (حسین‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۸)

پس از پایان جنگ تحمیلی و اثبات ناکارآمدی عملیات سخت‌افزاری علیه انقلاب اسلامی، دشمنان نظام اسلامی به این نتیجه رسیدند که نظام نوپای جمهوری اسلامی با جنگ، تهدید و ارباب، نابودشدنی نیست و می‌بایست برای سرنگونی چنین حکومت‌هایی، به ویژه جمهوری اسلامی ایران، از راه نرم‌افزاری وارد شد. لذا خط مشی جدیدی را دنبال کردند که در نهایت، منجر به فروپاشی نظام جمهوری اسلامی از درون شود. حرکت آرام و خزنده دشمن به آرامی در تغییر امور فرهنگی شروع شد و تغییراتی را در این امور با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی و تهی کردن ارزش‌های آن و مسخ جوانان کشور به وجود آورد.

امروزه با انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات، زمینه برای انتقال و ترویج هنجارها و ناهنجاری‌های ضد فرهنگی بیشتر شده و جوامع مختلف مورد تاخت و تاز هجوم فرهنگی غرب قرار می‌گیرند. وجود بیش از ۳۰ ایستگاه تلویزیونی ماهواره‌ای خارج از کشور که ۲۴ ساعته علیه نظام جمهوری اسلامی برنامه پخش می‌کنند، گواهی بر تأیید این مطلب

1. Information &amp; Communication Technology (ICT).

2. Security Cultural.



است. مقاصد، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات گوناگون فرهنگی دشمنان نظام جمهوری اسلامی در عرصه خارجی که به منظور جلوگیری از موفقیت و ایجاد مخاطره در دستیابی به مقاصد، علایق، منافع بی‌شمار امنیت ملی جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، تهدید امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی به حساب می‌آید.

### ب) ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

امروزه فناوری اطلاعات، به مدد فناوری ارتباطات، فراگیر شده و جهان را دگرگون کرده است. مهم‌ترین تغییراتی که این فناوری در جهان به وجود آورده، به وسیله مارشال مک‌لوهان<sup>۱</sup> در عبارت «دهکده جهانی» خلاصه شده است که در آن، مردم نقاط مختلف در کشورهای سراسر کره زمین به مانند ساکنان یک دهکده، امکان برقراری ارتباط با یکدیگر و اطلاع از اخبار و رویدادهای جهانی را دارند. امروزه نقش فناوری‌های نو در زندگی اجتماعی و در عرصه‌های مختلف زندگی بشر انکارناپذیر بوده و در برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، جایگاه ویژه‌ای به فناوری اطلاعات و ارتباطات داده می‌شود. از این رو، ضرورت انجام تحقیق جداگانه در ارتباطات با تأثیرات فناوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه فرهنگ، ضروری به نظر می‌رسد.

### ج) پیشینه تحقیق

بررسی کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی در ارتباط با نقش انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرهنگ، نشانگر این است که تاکنون پژوهشی جامع در این رابطه انجام نشده است، یا اگر انجام شده نویسنده در طول انجام تحقیق به چنین مواردی برخورد نکرده است. بیشتر مقالات و کتاب‌ها یا به انقلاب اطلاعات و ارتباطات پرداخته‌اند یا به ابعاد و ویژگی‌های فرهنگ. تنها در برخی از مقالات و کتاب‌ها اشاراتی به تأثیرات انقلاب اطلاعات و ارتباطات بر فرهنگ شده است.

شجاعی زند و همکاران (۱۳۸۹)، در مقاله «بررسی رابطه جهانی شدن فرهنگی و عرفی شدن فردی با تأکید بر نقش عوامل زمینه‌ای؛ مطالعه بین‌ملتی»، به بررسی عرفی شدن فرهنگ، سنت‌های فرهنگی و مذهبی غالب، سطح توسعه‌یافتگی و تمایزات اجتماعی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که اثر جهانی شدن فرهنگی بر عرفی شدن افراد در کشورهایی که از تنوع قومی بالایی برخوردارند، بیشتر از کشورهایی است که تنوع

1. Marshal McLuhan.

زبانی پایینی دارند.

کریمی (۱۳۹۰) در مقاله «ارتباطات فرهنگی بین‌المللی و تأمین امنیت جهانی»، به منظور تبیین جایگاه و اهمیت ارتباطات فرهنگی بین‌المللی در دگرگونی صلح و امنیت جهانی، ابتدا شاخص‌های آن از طریق ارتباطات فرهنگی میان کشورها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیر دولتی، جنبش‌های اجتماعی، مهاجرت‌های بین‌المللی و فناوری‌های نوین ارتباطی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

یعقوب‌پور (۱۳۹۰)، در مقاله «تأثیر جهانی‌شدن فرهنگ بر هویت ملی»، به بررسی جهانی‌شدن، فرهنگ، جهانی‌شدن فرهنگ، جایگاه رسانه‌ها در فرایند جهانی‌شدن، هویت ملی، ابعاد و عناصر سازنده هویت ملی، حاکمیت ملی، جهانی‌شدن و قومیت می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که جهانی‌شدن، هویت ملی را تضعیف می‌کند، زیرا خواهان یکسان‌سازی فرهنگ‌ها و در هم تنیدن فرهنگ‌های بومی و محلی در فرهنگ جهانی فرادست می‌شود.

چوپانی (۱۳۸۸)، در مقاله «پدیده جهانی‌شدن فرهنگ‌ها»، پس از نگاه مختصر به پدیده جهانی‌شدن و بیان برخی ویژگی‌های آن، سعی دارد تا با دسته‌بندی اجتماعی دیدگاه‌های مختلف در زمینه مفهوم فرهنگ جهانی، برخی سایه‌های ابهام و معطل را از اطراف این مفهوم بزدايد. در این مقاله پس از بررسی اجمالی سه نگرش لیبرالیستی، نومارکسیستی و پست‌مدرنیستی، نتیجه می‌گیرد رویکرد پست‌مدرنیستی به فرهنگ، به رغم نارس بودن و وجود برخی ایرادها، تا حدی توانسته است درکی بهتر از پویای فرهنگ در جهان ارائه دهد.

#### د) پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی:

انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات چه تأثیرات فرهنگی در ایران گذاشته است؟

پرسش‌های فرعی:

- خصوصیات و ویژگی‌های انقلاب اطلاعات و ارتباطات چیست؟

- فرهنگ چه تحولاتی در عصر اطلاعات به خود دیده است؟

#### ه) روش تحقیق

این پژوهش با روش تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده



است. روش تحقیق به شیوه تحلیل ثانویه است و طبق تعریف، تحلیل ثانوی به تحلیل داده‌هایی اطلاق می‌شود که قبلاً محقق دیگری برای هدفی غیر از موضوع مطالعه جاری، آنها را جمع‌آوری کرده است. (مولایی کرمانی و عباس‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۹)

## ۲. مبانی نظری پژوهش

### الف) انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات

فناوری اطلاعات و ارتباطات، تاریخی طولانی و بیش از هزار سال دارد و با اولین نقاشی‌ها در غارها و ابداع نوشتن و اختراع چاپ در سال‌های ۱۵۰۰ شروع شد. این روند با توسعه رایانه‌های الکترونیکی و سیستم‌های تجاری در نیمه دوم قرن بیستم ادامه یافت. فناوری اطلاعات و ارتباطات امروزی، ریشه در ابداع تلگراف الکترونیکی در دهه ۱۸۳۰ و تلفن در دهه ۱۸۷۰ دارد. (شهرتی‌فر، ۱۳۸۷)

برای تعریف فناوری ارتباطات و اطلاعات، ابتدا باید کلمه فن را تعریف کنیم. «فن» کلمه‌ای است عربی (به فتح فا و تشدید نون) به معنی حال و گونه. این کلمه در فارسی به معنی صنعت و هنر هم به کار رفته و فنون و افنان جمع آن است. کلمه افانین برای جمع این واژه به کار رفته است. عرب به صاحب فن و هنرمند، فنان (به فتح فا و تشدید نون) می‌گوید و هر گاه کاری یا هنری را به طرز گوناگون انجام دهند آن را تفنن (به فتح تا و فا و ضم نون مشد) گویند. فن به انگلیسی با واژه «تکنی»<sup>۱</sup> به معنی «فن»، هنر، کار فنی مترادف است. معانی اصطلاحات و قواعد فنی، اطلاعات فنی، رموز فنی، مهارت و استادی نیز ذیل این موارد آمده است. به همین لحاظ، به اهل فن و شخصی که مطلع به فنون صنعت باشد، تکنیسین گفته می‌شود. امروزه کلمه تکنولوژی که در زبان و ادبیات انگلیسی اسم شناخته می‌شود، در فارسی با واژه فناوری جایگزین شده است (شهرتی‌فر، ۱۳۸۷: ۶۴). فناوری معمولاً به دانش تولید، کاربرد ماشین و تجهیزات سرمایه‌ای گفته می‌شود. فناوری؛ یعنی تولید، خلاقیت، ابتکار و اختراع. به صورت جامع‌تر، فناوری عبارت است از تمام مهارت‌ها، دانش‌ها و روندهای تولید، استفاده و انجام کارهای مفید برای ارتقای زندگی جامعه بشری. (بیگم اوصیا، ۱۳۸۳: ۴)

اما فناوری‌های ارتباطاتی جدید عبارتند از: مجموعه‌ای از ماشین‌ها به نام رایانه‌ها،

تلفن‌ها، داده پردازنده‌ها و ایستگاه‌های کاری<sup>۱</sup>، روبات‌ها، ماهواره‌ها، تلویزیون‌های کابلی و غیره که از طریق نرم‌افزار فعال و عملگر می‌شوند. (صدوقی، ۱۳۸۲: ۵۴)

دریان لادر<sup>۲</sup> فناوری ارتباطی و اطلاعاتی را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از ماشین‌ها به نام رایانه‌ها و ارتباطات راه دور<sup>۳</sup> که انتقال حجم عظیمی از داده‌ها به شکل متن، تصویر، صدا و گرافیک را در مقیاس وسیع امکان‌پذیر می‌سازند». مانوئل کاستلز<sup>۴</sup> تعریف جامع‌تری از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید ارائه داده است: «فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی»<sup>۵</sup> عبارتند از مجموعه‌ای همگرا از فناوری‌ها در میکروالکترونیک‌ها، رایانه‌ها (شامل ماشین‌ها و نرم‌افزار) ارتباطات راه دور، مخابره و پخش<sup>۶</sup> و الکترونیک‌های نوری<sup>۷</sup>. (همان: ۵۵-۵۴)

### ب) فرهنگ و امنیت فرهنگی

فرهنگ در لغت از ریشه کالچرا<sup>۸</sup> در زبان لاتین، به معنی مراقبت از گیاهان و در معنای مجازی، مراقبت از اندیشه، گرفته شده است. اما فرهنگ در نگرش جامعه‌شناختی، مجموعه‌ای از معارف مرجع، اندیشه‌های رایج، اعتقادات پذیرفته شده، هنجارهای مقبول، ارزش‌ها و کارکردهای خاص، عقاید، باورها و... مادی و غیر مادی بشر است. از نظر رونالد اینگلهارت<sup>۹</sup>، به صورت نظامی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی است که به طور گسترده در میان مردم مشترک و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود. (مزینانی، ۱۳۸۹: ۱۰۳)

ارائه تعریفی واحد از مفهوم فرهنگ که از ویژگی جامعیت و مانعیت برخوردار باشد، بسیار دشوار است. مردم‌شناسان و صاحب‌نظران عرصه مطالعات فرهنگی همواره از منظرهای گوناگونی به این مفهوم کلیدی علوم اجتماعی نگریسته‌اند. برای مثال، یوهان هردر<sup>۱۰</sup> از چشم‌انداز هرمونوتیک، فرهنگ را عبارت از معنای خاصی می‌داند که هر گروه انسانی به زندگی مشترک خود می‌دهد (سعیدی، ۱۳۸۹: ۹۵). ادوارد تیلور<sup>۱۱</sup> فرهنگ را یک

1. Work Stations.
2. Derian loader.
3. Telecommunication.
4. Manuel Castells.
5. Informations and Communications Technology.
6. Broadcasting.
7. Optoelectronic.
8. Cultura.
9. Inglehart Ronald.
10. Juhann Herder.
11. Edward Tylor.



مجموعه کلی شامل دانش، عقیده، هنر، اخلاق، قانون، سنت و دیگر توانایی‌های عاداتی می‌پندارد که فرد به عنوان عضوی از جامعه تحصیل می‌کند. به زعم وی، فرهنگ الگوی منسجمی از عقاید و رفتارهاست که انسان از طریق یادگیری آن را کسب کرده و به نسل‌های بعدی منتقل می‌سازد. راجر کیسینگ<sup>۱</sup> نیز فرهنگ را نظامی از عقاید مشترک، مفاهیم، قواعد و معانی‌ای که در شیوه‌های زندگی انسان ظهور و بروز می‌یابند قلمداد می‌کند (فischer<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۳۵-۲۷). در مجموع می‌توان فرهنگ را به معنای مجموعه آداب و رسوم، باورها، نگرش‌ها، هنرها، شیوه زندگی و نیز سازمان اجتماعی یک کشور یا گروه خاص در نظر گرفت.

از آنجا که هر اجتماع انسانی، متشکل از تعدادی افراد با هویت مستقل و همسو می‌باشد و مهم‌ترین دلیل سازنده، بقا و تداوم هویت در هر جامعه‌ای، فرهنگ آن جامعه است؛ لذا فرهنگ در روند تکوین و تکامل زندگی بشر، مهم‌ترین عنصر سازنده و تداوم حیات اجتماعی و انسجام‌بخش به کلیت جامعه محسوب می‌شود. به همین دلیل است که هر فرد انسانی در طول حیات اجتماعی خود با مراجعه آگاهانه یا غیر آگاهانه به آبخور فرهنگی، در مواجهه با کلیه پدیده‌های قابل ادراک یا ناشناس اجتماعی، به ارزیابی می‌نشیند و در مقابل این پدیده به نسبت شدت و اهمیت آن، از خود واکنش نشان می‌دهد. این واکنش به صورت کاملاً منطقی از ارزیابی‌های ارزشی و اخلاقی منطبق بر اصول فرهنگی دورن جامعه‌ای است که او در آن تحت آموزش رسمی و غیر رسمی قرار گرفته است. مطالعات صورت گرفته اخیر در دانشگاه MIT آمریکا حاکی از تأثیرپذیری مستقیم مغز (و جریان مرتبط با آن، که زمینه‌ساز شناخت و علت کنش افراد است) از فرهنگ افراد تعامل‌کننده است؛ یعنی فرهنگ‌های مختلف (آمریکایی، آسیایی و...) تأثیرات متفاوتی بر مغز افراد متعلق به هر فرهنگ در تجزیه و تحلیل مسایل مشابه دارد. (مزینانی، ۱۳۸۹: ۱۰۳)

از آنجا که نحوه فعالیت در اقتصاد یا سیاستگذاری در بخش‌های دیگر، متأثر از مبانی و ارزش‌های حاکم بر جامعه می‌باشد و فرهنگ مقوله‌ای است که متضمن مبانی ارزشی و فکری جوامع و جهت‌دهنده فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. بنابراین، چارچوب اقدامات سیاسی، اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی و حتی فعالیت‌های فرهنگی، از مبانی

1. Roger Keesing.

2. Fischer.

فرهنگی حاکم بر رفتارهای فردی یا حکومتی که این فعالیت‌ها را انجام می‌دهد، ناشی می‌شود؛ چرا که این مبانی و ارزش‌های فرهنگی است که به سیاست، اقتصاد، امور نظامی و اطلاعاتی هویت بخشیده و جهت حرکت آنها را مشخص می‌سازد.

چنان که ملاحظه می‌شود، جهت‌گیری مسائل سیاسی، اقتصادی، نظامی و... با ارزش‌ها و باورها و نوع نگرش رهبران جامعه و آحاد مردم ارتباط مستقیم دارد و ضرورتاً هر چه آنها انطباق بیشتری با هم داشته باشند، به همان نسبت جامعه در آرامش فکری، روحی، سیاسی و اقتصادی بیشتری خواهد بود. بالطبع مردم وقتی تنشی در مسائل مختلف کشور احساس نکنند، این احساس تبدیل به امنیت خواهد شد.

امنیت فرهنگی مهم‌ترین و نامحسوس‌ترین بعد امنیت ملی است و تهدیدهای فرهنگی هر کشور از پیچیده‌ترین اشکال تهدید علیه امنیت ملی آن کشور است. امنیت فرهنگی ذیل موضوع امنیتی ملی کشورها قرار دارد و از مؤلفه‌های اصلی آن به شمار می‌رود. تأکید بر عناصر فرهنگی و ارزشی امنیت ملی کشورها، با تعاریف جدید عرضه شده از امنیت ملی هم تناسب دارد. با این رویکرد می‌توان امنیت فرهنگی را شرایطی دانست که طی آن یک ملت بتواند ضمن حفظ هویت فرهنگی خویش و بدون برخورد با موانع بشری، مسیر تکاملی خود را پییماید.

امروز نقش فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی در بطن تحولات جامعه برای تمامی پژوهشگران واضح و روشن است. از این رو مشاهده می‌شود که با تغییر نگرش به مفهوم امنیت، نظرات فرهنگی تازه‌ای مطرح می‌شود که حکایت از اولویت و تأثیر فرهنگ در امنیت ملی کشورها دارد. به عبارتی؛ امنیت ملی یک کشور به افزایش نیروهای نظامی و اقتصادی و... خلاصه نمی‌شود، بلکه به نظر می‌رسد مهم‌ترین رکن امنیت ملی کشورها، وجود بافت، هویت و هنجارهای مشترک فرهنگی است.

فرهنگ‌گرایان بر این عقیده‌اند که نظام معانی‌ای که از آن به فرهنگ تعبیر می‌شود، هر چند زاینده رفتار عوامل اجتماعی است، اما به محض شکل‌گیری، وجودی مستقل دارد. فرهنگ در برابر تجدد ایستادگی می‌کند؛ ولی به تدریج به علت تحول‌پذیری، خود را با تغییرات سازگار می‌کند. افراد که خود سازنده معانی‌اند، می‌توانند بر آن بیفزایند یا آنها را بازسازی کنند. نکته مهم این است که افراد می‌توانند متقاضی یک نظام معانی جدید باشند و با دست‌یازیدن به آنها، به رویارویی با فرهنگ مسلط بپردازند و این





امر در صورتی امکان‌پذیر است که عوامل اجتماعی نتوانند در فرایند اجتماعی شدن، فرهنگ مسلط را بپذیرند و متقاضی فرهنگ‌های دیگری باشند. پس فرهنگ قابل تولید و بازسازی است. بر این اساس و با توجه به تعریفی که در ابتدا از امنیت فرهنگی ارائه شد، اگر هر نظام سیاسی نتواند یا قادر نباشد متناسب با شرایط زمانی و مکانی به نیازهای فرهنگی مردم پاسخ مناسب بدهد و به شکل صحیح مبانی فرهنگی ملی و دینی را در جامعه ترویج کند، خود زمینه را برای رسوخ فرهنگ بیگانه و مغایر با نظام ارزشی فراهم می‌آورد و امنیت ملی، ثبات سیاسی و بقای نظام سیاسی خود را به مخاطره خواهد انداخت. در جمع‌بندی می‌توان گفت:

امنیت فرهنگی برجسته‌ترین چهره و درونی‌ترین لایه امنیت ملی یک کشور است؛

۱. امنیت فرهنگی مهم‌ترین وجه امنیت همه‌جانبه و پایدار است؛

۲. امنیت فرهنگی، هم زمینه‌ساز تحقق سایر وجوه امنیت است و هم می‌توان گفت

که اصولاً امنیت در سایر حوزه‌ها بدون امنیت فرهنگی مفهومی ندارد؛

۳. توجه به عناصر فرهنگی و فرهنگ‌گرایی در روابط بین‌الملل، شاخصه نظریه‌های

جدید امنیت ملی و جهانی است؛

۴. امنیت فرهنگی کارویژه‌ای بسیار فراگیرتر از یک مؤلفه از قدرت ملی یا وجهی از

وجوه امنیت ملی را دارد؛

۵. نظریه‌پردازی در مورد جهانی شدن و وارد شدن جهان به یک دوران جدید،

موضوع مشترک و فراگیری است که صبغه و ماهیت اصلی و جدید آن فرهنگ است.

(نائینی، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۶)

### ۳. فرهنگ در عصر انقلاب اطلاعات و ارتباطات

پایان جنگ سرد شاهد تغییر بنیادین نیروهای بود که تعیین‌کننده سیاست جهانی بودند. پیروزی غرب نیز موجب سرعت بخشیدن به انقلاب فناوری ارتباطات شد که پیش از آن آغاز شده بود. الگوهای در حال تغییر سیاست جهانی و ملی، در آنچه به آغاز دوران جدید سرمایه‌داری شباهت داشت، به نظر می‌رسید درک فرهنگی را ضروری‌تر می‌کند. تحلیل فرهنگی برای برخی از متون دوران‌ساز که در جهان پس از جنگ سرد

مطرح شد، مهم بود، به ویژه: «پایان تاریخ» نوشته فرانسویس فوکویاما<sup>۱</sup> (۱۹۹۲)، «برخورد تمدن‌ها» نوشته ساموئل هانتیگتون<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) و «جهاد در مقابل مک‌دونالد» اثر بنجامین باربر<sup>۳</sup> (۱۹۹۶). مهم‌تر از همه اینکه، فرهنگ راه شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های عصر جدید را ارائه کرد. در این عصر، یک فرهنگ جهانی با یک جهان چند فرهنگی تلاقی کرد؛ عصری که جوامع و فرهنگ‌های موجود با یکدیگر ارتباط نزدیک‌تری پیدا کردند. (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۰۲۹-۱۰۲۸)

مؤسسات فرهنگی مانند موزه‌ها، گالری‌ها و تئاتر که در اصل عرصه‌های ارائه و نمایش فرهنگ جامعه‌اند، تعاریف ملی‌گرایانه از فرهنگ را که ویژه آن جامعه است، ارائه می‌دهند و فناوری‌های نوین را شامل تهدیدهایی در عرصه فرهنگ جامعه می‌دانند. فناوری‌های جدید می‌توانند بر فرهنگ آن جامعه تأثیر بگذارند و حتی باعث تغییرات فرهنگی شوند. اما اغلب چون فرهنگ جوامع ثابت بوده و به تدریج تغییر می‌کند، پس می‌توان گفت که معمولاً فناوری جدید با فرهنگ جامعه سازگار شده و حتی به عنوان پشتیبان الگوهای رفتاری آن جامعه استفاده می‌شوند. برای مثال، سازندگان تلفن‌های همراه، پیشرفت‌هایی در این وسیله برای استفاده‌کننده‌های مسلمان داده‌اند که به عنوان کمک و پشتیبانی برای امور مذهبی این افراد، از جمله: برای گفتن اذان جهت اقامه نماز، تعیین قبله یا موارد مشابه به کار می‌رود. این مثال‌ها نشان‌دهنده این است که چگونه فناوری‌های جدید از طریق راه‌های مختلف در فرهنگ جوامع وارد می‌شوند. از سوی دیگر، می‌توان به تأثیر فناوری بر فرهنگ نیز اشاره کرد که حالت افراطی آن در نوشته‌های فیلسوف آلمانی مارتین هایدگر<sup>۴</sup> دیده می‌شود که به اثرات مخرب فناوری اشاره می‌کند. در بین نظریه‌پردازان ارتباطی هم می‌توان به نیل پستمن<sup>۵</sup> اشاره کرد که با جعل واژه «تکنوپولی» به حالت انحصاری فناوری در دنیای مدرن اشاره می‌کند؛ چرا که امروزه، بسیار بیش از گذشته، نوعی فرهنگ و هنجار جهانی ایجاد شده است، به گونه‌ای که بیشتر مناطق شهرنشین و حتی روستاها از بسیاری جهات همانند یکدیگر شده‌اند. جهان دارای فرهنگ و هنجارهای مشترکی است که به تدریج نیز گسترش می‌یابد.

1. Francis Fukuyama.
2. Samuel Huntigton.
3. Benjamin Barber.
4. Martin Heidegger.
5. Neil Postman.



جهان به طور روز افزون در حال همگن شدن است و به تدریج تفاوت‌های موجود بین مردم کاهش می‌یابد. به نظر می‌رسد فاصلهٔ زمانی و مکانی در حال از بین رفتن است. دیدگاه‌های قدیمی ما دربارهٔ فاصلهٔ جغرافیایی و زمانی به وسیلهٔ سرعت ارتباطات نوین و رسانه‌ها، در حال رنگ باختن است.

فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی از دو بخش فناوری‌های ارتباطی نظیر ماهواره‌ها، تلویزیون کابلی، کابل‌های نوری پهن‌بند، اینترنت و غیره و فناوری‌های اطلاعاتی نظیر رایانه‌ها، نرم‌افزارها و غیره تشکیل شده‌اند. در واقع؛ فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی طیف کاملی از تولید، توزیع و مصرف اطلاعات از طریق همهٔ رسانه‌ها، از رادیو و تلویزیون تا ماهواره و اینترنت را در بر می‌گیرد (ویلسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۶). در نظر برخی از نظریه‌پردازان و پژوهشگران، واژهٔ جهانی شدن با فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی مطرح می‌شود و فرایند جهانی شدن به طور کل مباحث انقلاب ارتباطات و فضای مجازی را تداعی می‌کند. در واقع؛ این بعد فرهنگی جهانی شدن به دلیل اهمیت و عمق تأثیری که بر حوزه‌های مختلف دارد، باعث شده تا برخی جهانی شدن را فرایند گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در مقیاس جهانی به همراه کسب آگاهی از این فرایند تعریف کنند. هر تعریفی که از فرهنگ و فرایند جهانی شدن فرهنگی ارائه دهیم، گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و رسانه‌های نوین از مهم‌ترین عوامل و شاخصه‌های آن (فرایند جهانی شدن فرهنگ) خواهد بود. تاملینسون<sup>۲</sup>، فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی و رسانه‌ها را از ابعاد مهم جهانی شدن فرهنگی به شمار می‌آورد و می‌نویسد: «رسانه‌ها ... از شکل‌هایی است که در آن جهانی شدن به گونه‌ای فرهنگی تجربه می‌شود». (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۳۸)

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، از اشکال و شاخص‌های مهم جهانی شدن فرهنگ محسوب می‌شوند و جهانی شدن وسایل مدرن ارتباطی، بخشی از فرایند جهانی شدن فرهنگ است. جهانی شدن و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی تأثیر متقابل بر هم دارند. فناوری‌های جدید با حذف فاصله‌ها و نزدیک ساختن فرهنگ‌ها به عنوان ابزار اساسی و موتور محرکهٔ جهانی شدن عمل می‌کنند. انقلاب اطلاعات و ارتباطات، زمینه‌ساز

1. Wilson III.  
2. Tomlinson.

جهانی شدن می‌شود و فرصتی مناسب را برای گفتگوی سنت‌ها و فرهنگ‌ها پدید می‌آورد. بر این اساس است که فرایند جهانی شدن، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی را تداعی می‌کند. از سوی دیگر، جهانی شدن نیز زمینه گسترش فزاینده فناوری‌های جدید و توسعه ارتباطات جمعی را فراهم می‌کند. از این دید، حوزه‌های اقتصادی و سیاسی جهانی شدن به حوزه فرهنگی جهانی شدن (و بُعد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی آن) تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌پذیرند. (عل علیزاده و احمدپور اردجانی، ۱۳۹۰: ۱۹۸)

#### ۴. جهانی شدن فرهنگ

بیشترین نشانه‌های جهانی شدن را در عرصه اقتصاد می‌توان مشاهده کرد و شاید کمترین علائم جهانی شدن را در عرصه فرهنگ بتوان رصد کرد؛ زیرا فرهنگ، رابطه تنگاتنگی با هویت فردی و ملی افراد دارد و انسان‌ها به دلایل مختلف، به آسانی حاضر به از دست دادن هویت خویش نیستند. درباره جهانی شدن فرهنگ، دو دیدگاه کلی وجود دارد:

- زوال فرهنگ‌های بومی و محلی و به وجود آمدن یک فرهنگ عام جهانی، متفاوت با فرهنگ‌های سابق؛ فرهنگی که در آن، تمایلات، ارزش‌ها، شیوه‌های پر کردن اوقات فراغت و... برای همه یکسان است. زوال فرهنگ‌های بومی به زوال هویت و سنت‌ها می‌انجامد و بافت اجتماعی جوامع را متلاشی می‌کند.

- حفظ تنوع فرهنگی؛ با وجود همگرایی محدودی که در زمینه رفتار و ارزش‌های جوامع گوناگون رخ خواهد داد، تنوع فرهنگی در آینده‌ای قابل پیش‌بینی، همچنان در سراسر جهان پایدار خواهد ماند و ملت‌ها توانایی آن را خواهند داشت که با درک و پذیرش ارزش‌های فرهنگی و هویت‌های گوناگون، با فشار روزافزون رسانه‌ها برای یگانه‌سازی فرهنگی و تحمیل «فرهنگ واحد جهانی» مقابله کنند و بر توانایی فرهنگ‌سازی غرب، چیره شده، در نگاهداری هویت و حقوق فرهنگی خویش توفیق یابند. ژاپنی‌ها بدون شک به پیروزی‌های صنعتی و فنی برجسته‌ای دست یافته‌اند، بدون آنکه بسیاری از ویژگی‌های ملی و شرقی خود را از دست بدهند.

در حالی که شماری از نظریه‌پردازان بر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فرایند جهانی شدن تمرکز می‌کنند، برخی نظریه‌پردازان هم دیدگاهی فرهنگی دارند.



آنها با یادآوری نقش بسیار مؤثر جریان‌ها و شبکه‌های رسانه‌ای، توجه بیشتر به فرهنگ و آگاهی را خواستارند. نظریه‌پردازان مورد نظر، فرایند در هم تنیدگی و یک‌دست شدن جهان را می‌پذیرند، ولی شیوع یک فرهنگ توده‌ای مشترک را عامل و زمینه‌ساز این همگونی و وابستگی فزاینده می‌دانند. مک‌لوهان از جمله نظریه‌پردازانی است که نگاهی فرهنگی به جهانی شدن دارد. او از دیدگاه جامعه‌شناسی، به واسطه‌های انتقال عناصر فرهنگی، بیشتر از محتوای فرهنگ اهمیت می‌دهد و تاریخ زندگی بشر را بر پایه فناوری‌های ارتباطی بازسازی می‌کند. بنابر این، در نظریه مک‌لوهان، شناسایی و درک فرایند جهانی شدن، جز با شناخت جایگاه رسانه‌های در برگیرنده فناوری‌های حمل و نقل و ارتباطات میسر نمی‌شود. از آنجا که ابزارها قابلیت کاربرد عام و جهانی داشتند، زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده فرایند جهانی شدن هم بودند؛ ولی پیشرفته‌ترین و گسترده‌ترین فرایند جهانی شدن از زمانی آغاز شد که رسانه‌های الکترونیک پا به عرصه ارتباطات گذاشتند. به نظر مک‌لوهان، این رسانه‌ها ما را قادر می‌کنند تا جهان را چونان یک کل درک کنیم.

هاروی به تشریح زندگی اجتماعی در دوران سنتی و مدرن می‌پردازد تا وجه تمایز این دوران را با یکدیگر و با دوره نو پدید آشکار کند. او چنین تمایزی را در فضا و زمان و جایگاه آنها در زندگی اجتماعی پیدا می‌کند و بر این اساس، به بازسازی تاریخ تحولات اجتماعی در جهان می‌پردازد.

به نظر گیدنز<sup>۱</sup> جهانی شدن را به هیچ وجه نمی‌توان پدیده‌ای صرفاً اقتصادی دانست، هر چند که شکل‌گیری یک اقتصاد جهانی، از مهم‌ترین عناصر ویژگی‌بخش پدیده مورد نظر به شمار می‌آید. بر این اساس، جهانی شدن پدیده‌ای فراتر از همبستگی متقابل است. در واقع؛ گیدنز از جمله نظریه‌پردازانی است که در واکنش به رهیافت تقلیل‌گرا و اقتصادمحور نظریه‌پردازان نظام جهانی، به ویژه والرشتاین<sup>۲</sup>، بر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی فرایند جهان شدن تأکید می‌کنند و آن را فراتر از شکل‌گیری نظام جهانی می‌دانند. از این دیدگاه، جهانی شدن به اندازه تجدید قدمت دارد، هر چند در سال‌های اخیر تشدید شده است. این فرایند، هم به نظام‌های گسترده جهانی معطوف است و هم به بسترهای محلی و شخصی تجربه اجتماعی. نکته دیگر اینکه، جهانی شدن

1. Anthony Giddens.

2. Immanuel Wallerstein.

نه یک فرایند، بلکه ترکیب پیچیده‌ای از فرایندهاست. به عبارتی؛ برای درک درست جهانی شدن، باید به نحوه گسست از جامعه سنتی و گذر به جامعه مدرن پی برد. گیدنز ابزار دستیابی به چنین درکی را توجه به جایگاه فضا و زمان و فرایند تحول آنها می‌داند. بنابر این، می‌توان نظریه گیدنز را درباره جهانی شدن چنین خلاصه کرد: «جهانی شدن حاصل بر هم خوردن نظم سنتی فضا و زمان است که به واسطه جدایی فضا و زمان از مکان پدید می‌آید».

اگر گیدنز در واکنش به نظریه‌های نظام جهانی، بر پیچیدگی فرایند جهانی شدن و جنبه‌های اجتماعی آن تأکید می‌کند، رابرتسن با پرداختن به جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی جهانی شدن، چنین واکنشی را نشان می‌دهد. او فرایند جهانی شدن را بسیار پیچیده‌تر از آن می‌داند که نظریه‌های اقتصادمحور بتوانند از عهده توصیف و تبیین آن برآیند. (نائینی، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۲۹)

جهانی شدن فرهنگی عبارت است از: شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی. این فرایند، موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و همه خاص‌های فرهنگی را به چالش می‌طلبد (خراسانی، ۱۳۸۷: ۲۵). گر چه دیدگاه‌های متفاوت بسیاری درباره جهانی شدن فرهنگی و شیوه شکل‌گیری و گسترش فرهنگ جهانی وجود دارد، ولی به طور کلی می‌توان سه جنبه کلی را در این خصوص شناسایی کرد. این جنبه‌ها عبارتند از: گسترش تجدد غربی، گسترش و جهانی شدن فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری و جهانی شدن فرهنگ آمریکایی.

برجسته‌ترین وجه جهانی شدن فرهنگی را می‌توان جهانگیر شدن ویژگی‌های محوری تجدد دانست. ویژگی‌های همچون: صنعت‌گرایی، نظام سرمایه‌داری، وجود نهادهای نظارت و مراقبت و شکل‌گیری دولت‌ها از آن جمله‌اند (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۹۹). افزون بر اینها، ویژگی‌های دیگری را هم می‌توان برای تجدد شناسایی کرد که با نظام سرمایه‌داری و دولت مدرن پیوند دارد. دولت مدرن به دموکراسی، شهروندی و ملی‌گرایی متعهد است و برای گسترش این ارزش‌ها در جامعه می‌کوشد. نظام سرمایه‌داری نیز به عقلانیت ابزاری، سودمحوری، فردگرایی و ثروت‌اندوزی پایبند است. در کنار این ویژگی‌ها باید به گسترش و جهانگیر شدن زبان‌های اروپایی به ویژه انگلیسی، الگوهای پوشش، تغذیه و معماری، زندگی شهری و صنعتی و یک رشته ارزش‌های و رهیافت‌های فرهنگی درباره آزادی فردی، روابط



جنسی، حقوق بشر و سکولاریسم نیز اشاره کرد. (تاملیسون، ۱۹۹۹: ۲۳)

گسترش تجدد به جوامع غیر غربی، در طول چندین دهه تداوم داشت؛ ولی در سده بیستم و به ویژه دهه‌های اخیر شتاب بیشتری گرفت. از این رو، فرایند جهانی شدن شتاب بیشتری گرفت. فرایند جهانی شدن را می‌توان فرایند جهانی شدن تجدد یا به عبارتی؛ جهانی شدن فرهنگ و تمدن غربی دانست (کلارک، ۱۹۹۷: ۲۳). در حالی که بسیاری از نظریه‌پردازان جهانی شدن، شکل‌گیری یک فرهنگ جهانی در غالب تجدد غربی را می‌پذیرند، ولی در ارزیابی آن اختلاف نظر دارند. یک برداشت رایج و آشنا از جهانی شدن فرهنگ، همان امپریالیسم فرهنگی است. از این دیدگاه، جهانی شدن عبارت است از اراده معطوف به همگون‌سازی فرهنگی جهان. (گل‌محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۱)

نقش تعیین‌کننده صنایع فرهنگی غرب در فرایند جهانی شدن فرهنگ و از جایگاه مهم اقتصاد در عرصه فرهنگ دلالت دارد. به بیان دیگر؛ گرچه گسترش فرهنگ غربی در جهان در بر گیرنده فراگیر شدن عناصر مختلف تجدد غربی است، اما از مجموع عناصر ویژگی‌بخش تجدد، آنچه بیشتر از عناصر دیگر جهانگیر می‌شود، نوعی فرهنگ مصرفی متناسب با نظام سرمایه‌داری است. (همان: ۱۰۲)

تحت تأثیر چنین فرهنگی، همه مردم جهان، شرقی یا غربی، شمالی یا جنوبی، فقیر یا غنی، مصرف‌گرا می‌شوند و جامعه مصرفی شکل می‌گیرد. این موج عظیم به یک حوزه محدود نمی‌شود و همه زوایای زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد. (همان: ۱۰۴)

فرهنگ مصرفی از آن رو نیروی همگونی‌آفرین و جهانی‌ساز است که هر چیزی را به کالا تبدیل و در بازار جهانی عرضه می‌کند (میلر و آمیس، ۱۹۹۶). جهانی شدن فرهنگی به واسطه حرکت پرشتاب فرهنگ مصرفی، نه تنها همه فرهنگ‌های بومی منطقه‌ای و ملی را نفوذپذیر می‌کند، بلکه مرز میان فرهنگ عالی و فرهنگ عامیانه را نیز از بین می‌برد. (لیون، ۱۹۹۹: ۹۶)

«اقتصادی شدن فرهنگ و جریان جهانگیر فرهنگ مصرفی الگوهای هویت‌یابی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرایند جهانی شدن فرهنگی در حالی که همه مرزهای فرهنگی را تخریب می‌کند و نهادها و عناصر سنتی هویت‌بخش را به چالش می‌طلبد،

1. Tomlison.
2. Clark.
3. Miller & Ames.
4. Lyon.





مصرف را به منبع هویت و انفکاک اجتماعی تبدیل می‌کند» (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۶). همان‌گونه که جهانی شدن فرهنگ و تمدن غربی عمدتاً در جهانی شدن فرهنگ مصرفی مرتبط با نظام سرمایه‌داری نمود می‌یابد و فرهنگ آمریکایی محتوای اصلی این فرهنگ مصرفی را تشکیل می‌دهد (اون، ۱۹۹۹: ۱۱۷)، فرهنگ جهانی شونده آمریکایی در حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی مردم جهان نمود می‌یابد و اقشار و گروه‌های مختلف وجوه متفاوتی از این فرهنگ را جذب می‌کنند. (فریدمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶)

به هر حال، فرایند جهانی شدن با نفوذپذیر کردن و تخریب حد و مرزهای موجود، پیوندها و ارتباطات جهانی را افزایش داده، انسان‌ها را در فضای اجتماعی واحدی قرار می‌دهد و واکنش‌هایی را بر می‌انگیزد. این واکنش‌ها به صورت‌هایی گوناگون پدیدار می‌شوند و اهمیتی متفاوت دارند.

## ۵. تأثیرات فرهنگی انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات

تأثیرات فرهنگی انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات را می‌توان در دو بخش فرصت‌ها و چالش‌ها بررسی کرد؛ چرا که علاوه بر ایجاد فرصت‌های مختلف، چالش‌هایی را نیز به دنبال داشته است.

### الف) فرصت‌های فرهنگی انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات

#### - تعامل فرهنگ‌ها

فروریزی مرزها و فضاهای محدود، موجب برخورد فرهنگ‌ها با یکدیگر و با فرهنگ جهانی می‌شود. در اثر این برخورد، برخی فرهنگ‌ها مستحیل شده، برخی دیگر موضعی سرسختانه و ستیزآمیز نسبت به فرهنگ مهاجم اتخاذ می‌کنند؛ شماری از فرهنگ‌ها به همزیستی مسالمت‌آمیز تن می‌دهند و تعدادی هم گفتگو و تبادل فرهنگی را گریزناپذیر می‌دانند. با فروریزی فزاینده مرزهای سیاسی و فرهنگی و ادغام روزافزون جوامع در جامعه جهانی، در عین حال که فرهنگ‌های خاص گوناگون به یکدیگر نزدیک می‌شوند، فرهنگ عام نیز شکل می‌گیرد، زیرا انسان‌ها وجوه مشترکی دارند و می‌توانند ایده‌ها و ارزش‌های مشترک پیدا کنند.

1. Owen.  
2. Friedman.





پیتر بیر، انواع کنش‌ها، اندرکنش‌ها و تحولات فرهنگی را به دو دسته عام‌گرایی فرهنگی و خاص‌گرایی فرهنگی تقسیم کرده است. عام‌گرایی فرهنگی به آن دسته از واکنش‌ها و تحولات فرهنگی گفته می‌شود که بر محور تبادل، آمیزش، همزیستی و انطباق شکل می‌گیرند و بر خلاف دیدگاه‌های مربوط به خاص‌گرایی فرهنگی، بیشتر از سوی افرادی حمایت می‌شود که با تکیه بر گفتگو، اختلاط و تحمل به بازسازی خود می‌پردازند. این افراد بر آن وجه از فرهنگ تأکید می‌ورزند که هر شخص بدون توجه به علائق شخصی و وفاداری‌های اجتماعی بایستی آن را بپذیرد؛ مانند آزادی، صلح و عدالت.

پیداست که این وجه از فرهنگ به اصول و ارزش‌های همه مردم ارتباط دارد. گستره داد و ستد و آمیزش فرهنگی چنان گسترش یافته که از یک سو فرهنگ غربی که ادعای جهانی بودن را دارد با ورود وسیع دیگر فرهنگ‌ها روبه‌روست تا فرهنگ‌هایی که به ذات‌گرایی پرداخته‌اند و حاضر به پذیرش چنین تعاملاتی نیستند. از سوی دیگر، درست است که فرایند جهانی‌شدن به همگونی و یک‌دست شدن فرهنگ و تفاوت و تنوع‌زدایی می‌انجامد، ولی نوع دیگری از همزیستی‌ها، آمیزش‌ها، تفاوت‌ها، گوناگونی‌ها و خاص‌ها را هم پدید می‌آورد. قلمرو جهانی معاصر، هم در بر گیرنده عامیت و همگونی است و هم در بر گیرنده خاصیت و ناهمگونی. به تعبیر رابرتسون، نیروهای ادغام‌گرا و همگون‌آفرین، مکمل نیروهای تفاوت‌زا هستند؛ یعنی عام‌شدن امر خاص و خاص‌شدن امر عام.

عام‌کردن امر خاص به معنای گسترش انواع تفاوت‌های اجتماعی به واسطه توسل به ارزش‌های عام است؛ برای مثال، گروهی محلی می‌کوشد موسیقی خود را ترویج کند. خاص‌کردن امر عام هم یعنی اینکه نمادهای فرهنگی عام در بستر فرهنگ خاص پالایش می‌شود و رنگ و بوی فرهنگ آن منطقه را به خود می‌گیرد؛ برای مثال، موسیقی کلاسیک غربی با هنجارهای محلی تولید می‌شود. بنابر این، فرهنگ خاص با فرهنگ عام جهانی وارد داد و ستد می‌شود تا ضمن حفظ خاص بودن خود، از مزایای فرهنگ جهانی

نیز بهره‌بردارد. (درویشی متولی، ۱۳۸۸: ۶۸)

### - شکل‌گیری فرهنگ جهان‌وطنی

فرهنگ جهان‌وطنی در حال شکل‌گیری است. مردم در ابتدای مرحله‌ای هستند که در آن «جهانی فکر می‌کنند و محلی اقدام می‌کنند» و این مورد، تنها با کمک فناوری‌های نوین ارتباطاتی و اطلاعاتی امکان‌پذیر شده است.

### - شکل‌گیری فرهنگ خطر

فرهنگ خطر در حال شکل‌گیری است و مردم به این آگاهی می‌رسند که خطرات اصلی که متوجه آنهاست، ابعاد جهانی دارد (تروریسم، آلودگی، ایدز، آنفلونزای مرغی، بیماری‌های مسری و ...) و دولت‌ها نیز به تنهایی قادر به مقابله با این مشکلات نیستند. (ناجی راد، ۱۳۸۴: ۱۶۸-۱۶۶)

### - گسترش فرهنگ رسانه‌ای

در شرایط جدید جهانی، به عقیده محققان ارتباطی انتقادنگر، برای فراگیری «فرهنگ عامه» آمریکایی در سراسر کره زمین، زمینه مساعدی ایجاد شده است؛ آن چنان که در سال‌های اخیر، فرآورده‌های فرهنگی ایالات متحده آمریکا، دومین مجموعه صادرات این کشور، پس از فناوری‌های هواپیمایی را تشکیل داده‌اند. حتی برخی از پژوهشگران معتقدند که «رؤیاهای آمریکایی منعکس‌شده در فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی آن، در میان صادرات ایالات متحده، مقام اول را دارا هستند...» (معمدنژاد، ۱۳۸۸: ۶۵)

### - افزایش ارتباطات فرهنگی

گسترش ارتباطات و پیدایش حاکمیت قدرتمندانه فناوری نوین ارتباطات، بدون تردید زندگی بشر را متحول کرده است؛ به طوری که با بهره‌گیری از نظام نوین اطلاع‌رسانی، امکانی خارق‌العاده برای ارتباط میان ذهن‌ها و اندیشه‌های مختلف و نیز مبادله وسیع، سریع و جهانی اطلاعات بشری فراهم شده است. همچنین رسانه‌ها، کاربران خود را ترغیب می‌کنند که خودشان را شهروندان جهانی معرفی کنند. در پرتو تحولات جدید در عرصه فناوری‌های ارتباطی، این سوال اصلی مطرح می‌شود که این فناوری‌ها چه مفاهیم و عرصه‌هایی را تحت تأثیر شدید قرار داده‌اند؟ بدون تردید، ارتباطات و تعاملات بین ملت‌ها و به طور کلی فرهنگ و مشتقات آن تا حد بسیار از این تحول تأثیر گرفته‌اند؛ اما این تأثیر فقط در سطح افزایش تعامل فرهنگی بین جوامع و در درون جوامع خاص نبوده است، بلکه این فناوری نوین از طریق دگرگون ساختن برخی ساختارها و روابط اجتماعی و ایجاد ساختارها و روابط جدید بر عرصه فرهنگ تأثیر گذاشته‌اند. (کریمی، ۲۷۸-۲۷۷)

### (ب) چالش‌های فرهنگی انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات

#### - ایجاد همگونی فرهنگی

فرایند همگونی فرهنگی که توسط نظریه پردازان و عوامل دولت‌های غربی در حال



انجام است، نیازمند بسترها و ابزارهایی است تا این فرایند به پیش رود. این ابزارها در درجه نخست شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی و رسانه‌های ارتباط جمعی مانند «رادیو، تلویزیون ماهواره‌ای، اینترنت» و بسترسازی برای نشر آن در قالب گسترش زبان انگلیسی است. امروزه نقش رسانه‌ها و میزان نفوذ آنها در ساخت فرهنگی جوامع بر کسی پوشیده نیست. برخی از نظریه‌پردازان ارتباطات معتقدند که امروز جهان در دست کسی است که رسانه‌ها را در اختیار دارد (نقیب‌السادات، ۱۳۸۲: ۴۵). نقش عمده رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی باعث شده که اهمیت رسانه‌ها تا این حد مورد توجه قرار گیرد.

در نظر صاحب‌نظران غربی، در اختیار داشتن وسایل ارتباط جمعی و فناوری‌های جدید ارتباطی، مساوی با در اختیار داشتن استیلای فرهنگی است. به باور برخی (ادگار موران)<sup>۱</sup>، استعمار در دو شکل مستقیم و غیر مستقیم (یا استعمار نو) ظهور یافته و پس از تبدیل استعمار مستقیم به استعمار غیر مستقیم، وادی فرهنگ به عنوان ابزار این استعمار به خدمت گرفته شده و از این پس، هر فردی که بر روی زمین متولد می‌شود، فکر و اندیشه او تخدیر می‌شود. از این رو استعمار، دائمی و همیشگی شده و به محدوده‌های صرفاً جغرافیایی نیز ختم نمی‌شود و ضرب و زور نظامی نیز در آن جایی ندارد. مهم‌ترین ابزار این تخدیر فرهنگی نیز رسانه است.

در بررسی برنامه‌های تلویزیونی تولید شده در جهان، که توسط دو محقق فنلاندی تاپیوواریس و کارل نوردن استرنک<sup>۲</sup> از سال ۱۹۷۱ تا سال ۱۹۷۳ انجام شده، روشن شد که جریان مسلط تولید، در اختیار کشورهای غربی و در این میان، بیشترین سهم متعلق به کشور آمریکا است. سپس با تفاوت بسیار زیاد، کشورهای انگلستان، آلمان و فرانسه قرار دارند. خریداران عمده برنامه‌های تولید شده غربی نیز کشورهای در حال توسعه‌اند که بنیان‌های تولید بالای برنامه‌های تلویزیونی را دارا نیستند. تاپیوواریس ۱۰ سال بعد، یعنی در سال ۱۹۸۳ نیز در مقاله‌ای با عنوان «روندهای جریان بین‌المللی برنامه‌های تلویزیونی» مجدد این موضوع را اثبات کرد و اعلام داشت که پس از گذشت یک دهه، همچنان جریان حاکم و مسلط، بر مبنای یافته‌های پیشین است، اما ارقام حجم تولید بسیار بالا رفته است. آنچه در جریان این تسلط و حاکمیت فناوریانه و به گفته ایشان

1. Edgar Moran.

2. K.N. Streng.

«عدم تعادل اطلاعات» اتفاق می‌افتد، حاکمیت عناصر مسلط فرهنگ غربی است. به بیان دیگر؛ نظام حاکم در این کشورها، بیشتر عناصر فرهنگ غربی است و آنچه به مردم ارائه می‌شود، به قول ادگار موران، جامعه‌شناس فرانسوی؛ مصرف‌گرایی، ستاره‌پرستی، شهرت‌طلبی، زیباپرستی، لذت‌جویی و ... است. هدف اصلی برنامه‌ها، جوانان و نوجوانان و زنان هستند که بیشتر از دریچه عاطفه، هدف برنامه‌ریزی‌های تولیدکنندگان غربی قرار می‌گیرند. هربرت شیلر<sup>۱</sup>، استاد سابق دانشگاه کالیفرنیا، در خصوص نفوذ فرهنگی کشورهای غربی در دیگر کشورهای جهان، معتقد است که از سال‌های جنگ جهانی دوم، در همان حال که ایالات متحده آمریکا با کمک نظامی به انگلستان و فرانسه برای از پا درآوردن آلمان و به دست گرفتن رهبری جهان تلاش می‌کرد، برنامه‌ها و سیاست‌هایی را نیز برای استیلای فرهنگی و ارتباطی بر جهان تدارک می‌دید. در این زمان، استفاده از نظریه جریان آزاد اطلاعات به منظور گسترش نفوذ فرهنگی و تسهیل سلطه‌جویی اقتصادی بر جهان و به کار گرفتن نظریه توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق وسایل ارتباطی برای جلوگیری از راه رشد غیر سرمایه‌داری کشورهای جهان سوم و گرایش آنها به سوی سوسیالیسم، از اهمیت فراوان برخوردار است. (سعادت، ۱۳۸۹: ۸)

### - امپریالیسم فرهنگی و نابودی فرهنگ‌های ملی

بخش مهمی از روابط بین‌الملل، از روابط فرهنگی و ارتباطی تشکیل می‌شود. برخی از محققان انتقادی معتقدند که فرهنگ‌های ملی کشورهای در حال توسعه، در نتیجه امپریالیسم فرهنگی کشورهای غربی - به ویژه ایالات متحده - عملاً رو به نابودی و در این زمینه نقش مخرب رسانه‌ها از همه شدیدتر است. دنیای کنونی را می‌توان به یک معنی، دنیای پسامپریالیسم<sup>۲</sup> دانست. بخش اعظم تاریخ جهان، به ویژه از سال ۱۹۴۵ به بعد، مربوط به منازعات مردم زیر سلطه برای رهایی از امپراتوری‌های اروپایی قرن ۱۹ و ایجاد کشورهای مستقل جدید در آفریقا، خاورمیانه و آسیاست. اما سلطه اقتصادی غرب بدین معنا بود که بسیاری از کشورهای جهان سوم با وجود استقلال سیاسی، همچنان به شیوه‌های کاملاً پیچیده‌ای خود را وابسته به تحولات جوامع صنعتی غربی می‌بینند. بدین ترتیب، کشورهای جهان سوم دنبال کردن تعاریف و راه‌های توسعه مستقل خاص

1. Herbert Schiller.

2. Post Imperialism.



خود را بسیار دشوار می‌یابند. روابط جدید، با روابط قدیمی امپریالیسم متفاوت است. این روابط که اغلب وابستگی خوانده می‌شوند، «امپریالیسم فرهنگی» و به عنوان شکل عمده‌ای از وابستگی، تحلیل شده‌اند. (ذکایی، ۱۳۷۰: ۵)

نظریه پردازان پایبند به نظریه امپریالیسم فرهنگی معتقدند که در گسترش و سلطه فزاینده فرهنگ در جهان تردیدی نیست، ولی این فرهنگ همان ارزش‌ها، هنجارها و باورهای قوم‌محور غربی است که در ظاهری عام و غیر قومی عرضه می‌شود. ادوارد سعید مدعی است که غرب به واسطه گفتمان‌های قدرت و غیرسازی، دست‌اندرکار نوعی امپریالیسم و استعمار فرهنگی است. فاطمه مرینسی هم در مقام یک روشنفکر و نظریه‌پرداز اسلامی، به نقد سلطه فرهنگی غرب می‌پردازد. (امیری، ۱۳۹۰/ب: ۸۹)

بر پایه نظریه امپریالیسم فرهنگی، گر چه جهانی‌شدن فرهنگی چونان پدیده‌ای فراتاریخی و فراملی یا نیروی عالی و جهانی به نظر می‌رسد، در واقع چیزی جز صدور کالاها، ارزش‌ها و اولویت‌های شیوه زندگی غربی نیست. آنچه در عرصه جهانی رایج می‌شود، تصورات و مصنوعات و هویت‌های جدید غربی است که صنایع غربی عرضه می‌کنند. این صنایع بر شبکه‌های جهانی مسلط‌اند و امکان چندانی برای روابط و تبادل فرهنگی باقی نمی‌گذارند. آنچه بیشتر و شدیدتر از عناصر دیگر جهانی می‌شود، نوعی فرهنگ مصرفی مناسب با نظام سرمایه‌داری است. پس فرایند جهانی‌شدن فرهنگ، تابعی است از فرایند جهانی‌شدن اقتصاد. نظام جهانی سرمایه‌داری، این جنبه از جهانی‌شدن فرهنگی را با عنوان جهانی‌شدن فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری بررسی می‌کنند. (امیری، ۱۳۹۰/الف: ۵۶-۵۵)

### - مورد تهدید قرار گرفتن امنیت فرهنگی

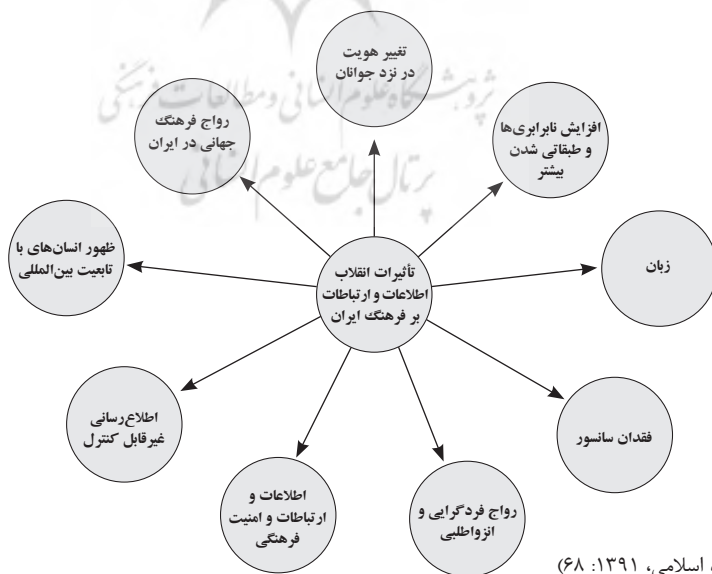
امنیت فرهنگی، مفهومی اساسی است که امروزه در کانون توجه جوامع بشری قرار دارد. در واقع؛ یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری جوامع امروزی، امنیت فرهنگی است. این مهم وقتی روشن می‌شود که یادآور شویم منابع اصلی قدرت چگونه از قدرت نظامی به قدرت اقتصادی و امروزه به قدرت فرهنگی تغییر یافته‌اند (گروه تحقیق، ۱۳۸۴: ۹۷). توجه به نقش هویت‌ساز فرهنگ در جوامع بشری که بسترساز توسعه و استقلال همه‌جانبه است، حاکی از اهمیت و نقش جایگاه امنیت فرهنگی است. به یقین، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های خارجی و اثرگذار بر امنیت فرهنگی جوامع در حال توسعه، انقلاب اطلاعات

و ارتباطات است. این انقلاب به عنوان شمشیری دو دم عمل می‌کند؛ از یک سو با انحصارات فناوری‌های ارتباطی جهانی توسط قدرت‌های سلطه‌گر جهانی مواجهیم که به شدت امنیت ملی و امنیت فرهنگی جوامع ضعیف‌تر را در معرض تهدید قرار داده‌اند و از سوی دیگر، با فناوری‌های ارتباطی ضعیف و نوپای ملی و بومی مواجهیم که می‌توانند نقشی ایجابی و مثبت در امنیت ملی کشورهای خود ایفا کنند. (نائینی، ۱۳۹۱: ۱۸۲)

## ۶. تأثیرات انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات بر فرهنگ ایران

بحث تأثیرات انقلاب اطلاعات و ارتباطات بر فرهنگ ایران، نیازمند یک بررسی و تحقیق همه‌جانبه است و در قالب یک مقاله، قابل تبیین نیست. از این رو، آنچه در ادامه می‌آید، صرفاً طرح بحث و فهرستی از پیامدهای فرهنگی انقلاب اطلاعات و ارتباطات در ایران است. در عین حال، این بحث می‌تواند به سهم خود چشم‌اندازی از تأثیر انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات را بر فرهنگ ایران ترسیم کند.

امروز انقلاب اطلاعات و ارتباطات موجب شده است که فرهنگ غرب به صورت کالایی درآید که تجاری شده و بازار خود را می‌جوید. کشورمان ایران اگر نتواند در رقابت سختی که در حوزه فرهنگ در پیش گرفته، با دست پر وارد شود، متحمل زیان بسیاری خواهد شد. از این رو، مهم‌ترین آثار انقلاب اطلاعات و ارتباطات در فرهنگ ایران عبارتند از:



(منبع: رضایی و اسلامی، ۱۳۹۱: ۶۸)

## الف) اطلاع‌رسانی غیر قابل کنترل

اطلاعاتی که اکنون از طریق نمابر، اینترنت (پست الکترونیکی و وبسایت) و ماهواره‌ها ارسال می‌شود، کمتر از طرف حکومت‌ها قابل کنترل است. در عصر جدید، شهروندانی که توانایی تهیه لوازم مربوط به اینترنت را در اختیار دارند، به راحتی می‌توانند اطلاعات به‌روز را از آن سوی جهان دریافت و در همان حال اطلاعاتی نو تولید کرده و در اختیار مخاطبان خود نیز قرار دهند. اطلاع‌رسانی به شیوه جدید، سبب شکستن انحصار رسانه‌های داخلی شده و افراد را قادر می‌سازد منبع اطلاعاتی خویش را خود تعیین کنند. کشورمان ایران به هیچ‌وجه در این خصوص نمی‌تواند اطلاعات را کنترل کرده و به دلخواه خود در دسترس مخاطبانش قرار دهد. زمان به نفع فناوری‌های جدید ارتباطی و به زیان شیوه‌های سنتی و انحصاری اطلاع‌رسانی در ایران است.

## ب) ظهور انسان‌هایی با تابعیت بین‌الملل

شیوه جدید اطلاع‌رسانی، به نوبه خود سبب ایجاد آگاهی‌های جدید شده، انسان‌هایی نو می‌آفریند. اطلاعاتی که در عصر دوم رسانه‌ها تولید و عرضه می‌شود، اغلب مخاطبانی فراملی و بین‌المللی دارد. در این شیوه، انسان‌های بی‌شماری با دیگران و غریبه‌ها ارتباط برقرار کرده و تبادل اطلاعات می‌کنند. به همین جهت، این شیوه اطلاع‌رسانی، فرهنگ خاصی را (جهانی و غربی) ترویج می‌کند و مخاطبان (مصرف‌کنندگان)، اندک اندک پیش از آنکه خود را متعلق به قوم، فرهنگ و کشور خاصی بدانند، خود را انسانی با تابعیت جهانی و بین‌الملل خواهند نامید. انسان‌های عصر دوم رسانه‌ها، با وجود فاصله فیزیکی بسیار، می‌توانند به یکدیگر بسیار نزدیک شوند. یک ایرانی ممکن است بیش از آنکه با همسایه خود دوست باشد، با یک آمریکایی یا خارجی که همیشه با او از طریق اینترنت در ارتباط است دوست شود.

## ج) رواج فرهنگ جهانی و غربی در ایران

فرهنگ غربی و به ویژه آمریکایی، که امروزه به عنوان فرهنگ جهانی در سراسر گیتی شهرت یافته، از طریق وسایل الکترونیکی در حال گسترش است؛ به ویژه از طریق تلویزیون‌های ماهواره‌ای جدید که به دلیل تغییر سیستم آن از آنالوگ به دیجیتال، شهروندان سراسر جهان می‌توانند با کمک آنتن‌های بشقابی بسیار کوچک همزمان به تماشای چندین شبکه بنشینند که اغلب آنها به زبان انگلیسی برنامه پخش می‌کنند





و فیلم‌ها و شوهای آمریکایی نمایش می‌دهند و شبکه‌های خبری «سی.ان.ان» و «بی.بی.سی» در آن میدان داری می‌کنند که البته تمام این برنامه‌ها چیزی جز ترویج فرهنگ غربی در دستور کار خود ندارند. اینترنت نیز در این زمینه دست کمی از تلویزیون‌های ماهواره‌ای ندارد. این وسایل هم‌اکنون به قدری در ایران نفوذ کرده‌اند که صرفاً یک مورد از اثرات فرهنگی آنها را در پیروی شهروندان ایرانی از مدهای مختلف لباس و موی ورزشکاران غربی و هنرپیشه‌های معروف هالیوود می‌توان مشاهده کرد. موسیقی در این خصوص نیز جای خود دارد. رواج فرهنگ غربی در ایران به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد در آینده نه‌چندان دور تبدیل به «فرهنگ برتر» شود.

### د) تغییر هویت جوانان

نفوذ سریع و گسترده وسایل الکترونیکی جدید سبب شده تا تغییر هویت نزد جوانان ایرانی بسیار زود حادث شود. رسانه‌های الکترونیکی جدید، از نظر هویتی وضعیت تازه‌ای را ایجاد کرده‌اند که بسیاری از جوانان کاربر این وسایل در ایران، هم‌اکنون مانند غربی‌ها رفتار می‌کنند و لباس می‌پوشند. این وسایل در آینده‌ای نه‌چندان دور، کاربران آن را در ایران، منفعل و از نظر ذهنی کاملاً وابسته به غرب خواهد ساخت. هویتی را که رسانه‌های الکترونیکی جدید ترویج می‌کنند و در صدد ساختن آن هستند، هویتی فراملی و احتمالاً غربی است که می‌تواند با هویت ملی-ایرانی در تضاد قرار گیرد. (آزادخواه، ۱۳۸۸: ۵۷)

### ه) افزایش نابرابری‌ها و طبقاتی شدن

هزینه‌بر بودن استفاده از خدمات و دستگاه‌های الکترونیکی باعث می‌شود که قشر کم‌درآمد جامعه از دستیابی به آنها محروم شوند. این امر سبب بروز فقر اطلاعاتی در این قشر جامعه خواهد شد. تحصیل‌کردگان (بالا)، ثروتمندان و شهرنشینان، به خصوص شهروندان تهرانی، عمده استفاده‌کنندگان این وسایل در حال حاضر هستند. از این‌رو، دانشجویان، فقرا، روستائینان، ساکنان شهرهای کوچک و به طور کلی اقشار آسیب‌پذیر جامعه، کمتر توانایی استفاده از این وسایل را خواهند داشت. این امر سبب می‌شود یک قشر همچنان مثل گذشته بیشتر از امکانات (و حال امکانات اطلاعاتی) استفاده کند و خود را از هر لحاظ؛ روزآمد و همگام با فرهنگ روز جهان نگه دارد و اقشار دیگر از دسترسی به آن محروم باشند و توانایی استفاده از آن را نداشته باشند.





## و) زبان

یکی از مواردی که در بحث پیامدهای وسایل الکترونیکی باید آن را جدا از مباحث دیگر فرهنگی، به طور مجزا مدّ نظر قرار داد، زبان است. در رسانه‌های الکترونیکی جدید، غالباً زبان انگلیسی سلطه دارد و می‌خواهد خود را به همه (فرهنگ) کشورها از جمله ایران تحمیل کند. نفوذ و گسترش زبان انگلیسی از طریق تلویزیون‌های ماهواره‌ای و اینترنت در جای خود می‌تواند مهم‌ترین تهدید علیه زبان فارسی قلمداد شود.

## ز) فقدان ممیزی

رسانه‌های الکترونیکی جدید از قوانین ملی کشورهای مختلف پیروی نمی‌کنند و از این رو، قانونمند و مرزپذیر نیستند. عدم پیروی از مقررات دولت‌ها سبب شده است که این وسایل، ماهیتی جهانی و غیر متمرکز پیدا کرده، دست‌اندرکاران آنها مطابق امیال و سلیقه‌های خود عمل کنند. از این رو، آنها برنامه‌ها را مطابق میل خود (یا میل مخاطبان خود) می‌سازند و روی آنتن می‌فرستند. نبود ممیزی (سانسور) در اینترنت نیز مانند تلویزیون‌های ماهواره‌ای، اطلاعات طبقه‌بندی شده و حتی تصاویر مغایر شئون اخلاقی (پورنوگرافیک) را به راحتی در دسترس استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد. این امر، به خصوص می‌تواند بسیار خطرناک و افسونگر باشد. (ضیایی‌پرور، ۱۳۸۶: ۳۲)

## ح) رواج فردگرایی و انزوای طلبی

انقلاب اطلاعات و ارتباطات موجب رشد فردگرایی و انزوای اجتماعی کاربران آنها می‌شود. کاربران وسایل الکترونیکی زمان‌های طولانی را با آنها می‌گذرانند و در گوشه‌ای با خیال‌پردازی و بازیگوشی و به دور از هر گونه سر و صدا و مزاحمت، در دنیای خود سیر می‌کنند. این وسایل، نوع جدیدی از مناسبات اجتماعی را در ایران و در نزد اقشار استفاده‌کننده، به دنبال خواهد داشت که در مجموع منجر به افزایش کنش‌های فردی و ظهور انسان‌های منزوی، گوشه‌گیر و کم‌تحرک می‌شود.

این انسان‌ها بعدها از نظر ارتباطی با دیگر شهروندان مشکل پیدا خواهند کرد و جامعه را درگیر یک تضاد میان‌کنشی خواهد ساخت. رواج و گسترش وسایل الکترونیکی جدید در ایران، منجر به افزایش انسان‌های گوشه‌گیر، کم‌تحرک و منفعل خواهد شد.

## ط) فناوری اطلاعات و ارتباطات و امنیت فرهنگی

امروزه همهٔ مردم جهان از یکدیگر آگاهی دارند. روند جهانی شدن ما را بر آن وامی دارد تا برای زندگی جهانی به یکدیگر نزدیک و نزدیک تر شده، همه در یک تمدن واحد ساکن شویم. از این رو، ما بیش از پیش از تفاوت های یکدیگر آگاه می شویم و اکنون می توانیم به یک نوع حقیقت و یک نوع انسانیت بنگریم. جهانی شدن با پیشرفت وسایل مدرن ارتباطی در جهت فشرده ساختن جهان، فرصت مناسبی را برای مراکز و نهادهایی که دارای اندیشه و نظریه اند، فراهم کرده تا نسبت به برقراری ارتباطات گسترده و متقابل با مردم و بسط و گسترش فرهنگ های جدید و ایجاد نوعی هژمونی فرهنگی همت گمارند. بررسی واقعیت های موجود، گویای این امر است که روند مزبور، فرایندی انحصاری در جهان نیست و جهانی شدن در بُعد فرهنگی، فاقد یکپارچگی و انسجام است. امنیت فرهنگی می تواند سبب تقویت یا تضعیف امنیت اجتماعی نیز بشود. یکی از راه های اساسی ای که امروزه دولتهای غرب و به ویژه آمریکا برای فشار بر ایران برگزیده اند، این است که فرهنگ مردم و جوانان ایران را تغییر دهند و آنها را دچار نوعی بحران هویت کنند تا از این طریق، هم امنیت فرهنگی ایران را بر هم زنند و هم اینکه هویت جوانان را در حالت دوگانه ای میان ایرانی بودن یا مسلمان بودن قرار دهند.

### ۷. نتیجه گیری

امروزه فناوری اطلاعات به مدد فناوری ارتباطات، فراگیر شده و جهان را دگرگون ساخته است. مهم ترین تغییراتی که این فناوری در جهان به وجود آورده، به وسیلهٔ مارشال مک لوهان در عبارت «دهکدهٔ جهانی» خلاصه شده است که در آن، مردم نقاط مختلف در کشورهای سراسر کرهٔ زمین به مانند ساکنان یک دهکده، امکان برقراری ارتباط با یکدیگر و اطلاع از اخبار و رویدادهای جهانی را دارند.

امروزه نقش فناوری های نو در زندگی اجتماعی و در عرصه های مختلف زندگی بشر انکار ناپذیر بوده و در برنامه ریزی های توسعهٔ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، جایگاه ویژه ای به فناوری اطلاعات و ارتباطات داده می شود که سبب جهانی شدن در عرصه های گوناگون شده است. در واقع؛ جهانی شدن در سه عرصهٔ اقتصاد، فرهنگ و سیاست ظهور و بروز کرده است. در عرصهٔ فرهنگ، به نظر می رسد جهانی شدن فرهنگ نتیجهٔ



مستقیم جهانی شدن اقتصاد و انقلاب در فناوری است؛ چرا که با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه‌های مختلف فناوری ارتباطات و نیز بالا رفتن فهم بشر از مقوله حیات، گرایش به سوی «فرهنگ جهانی» افزایش یافته است. جهان به شدت کوچک و به هم فشرده شده و به راحتی می‌توان از طریق شبکه‌های اینترنت و رسانه‌ای، در مکان وقوع یک حادثه حضور یافت. پیشرفت‌های سریع حمل و نقل و ارتباطات و به ویژه پیشرفت‌های فنی، مانند کابل نوری، ریزرایانه‌ها، نامبرها و پخش ماهواره‌ای، فاصله‌ها را بسیار کاهش داده‌اند. وقوع چنین تحولاتی در دنیا با اصلی‌ترین دلایل بروز و ظهور موضوع جهانی شدن فرهنگ بوده است. مردم کشورهای مختلف با بهره‌مندی از فناوری پیشرفته امروزی، بیش از هر زمان دیگری فرصت آشنایی و شناخت عناصر و ویژگی‌های فرهنگ‌های جوامع دیگر را یافته‌اند. از طرف دیگر، این امکان فراهم شده است تا فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف فرصت‌هایی از مرزهای محدود ملی را پیدا کنند و در سایر جوامع نیز گسترش یابند. برخی ارزش‌های مشترک جهانی، شکل گرفته یا به تدریج در حال شکل‌گیری است. از این رو، موضوع جهانی شدن فرهنگ، جزء موضوعات اصلی و مهم جوامع مختلف در قرن جدید خواهد بود.

در حال حاضر، ج.ا.ایران در مرحله‌ای است که باید بیش از گذشته و به سرعت به سمت استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی روی آورد و با ایجاد و راهبری پدیده‌های نوین فناوری، در راه توسعه و در تمام عرصه‌های جامعه، از آنها برای بهبود وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگ و اقتصادی کشور بهره گیرد.

## منابع

- آزادیخواه، علیرضا (۱۳۸۸). «جنگ نرم با تأکید بر نقش رسانه‌ها». ماهنامه خلیج فارس و امنیت، سال دهم، ش ۱۰۱.
- امیری، ابوالفضل (۱۳۹۰الف). جنگ نرم از تهدید تا مواجهه. تهران: شوریده.
- امیری، ابوالفضل (۱۳۹۰ب). «جهانی شدن فرهنگ و راهبردهای مقاومت فرهنگی». فصلنامه مطالعات بسیج، سال چهاردهم، ش ۵۰.
- بلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳). جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (موضوعات بین‌المللی، جهانی شدن در آینده). تهران: ابرار معاصر.
- تاملینسون، جان (۱۳۸۱). جهانی شدن و فرهنگ. ترجمه محسن حکیمی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- چوپانی، یدالله (۱۳۸۸). «پدیده جهانی شدن فرهنگ‌ها». فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۳.
- حسین‌زاده، مصطفی (۱۳۸۹). «جهانی شدن و امنیت فرهنگی». روزنامه رسالت، سال بیست و پنجم، ش ۷۰۱۵.
- خراسانی، رضا (۱۳۸۷). «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی». فصلنامه علوم سیاسی، سال یازدهم، ش ۴۱.
- درویشی متولی، حسین (۱۳۸۸). «موعودگرایی و جهانی شدن فرهنگ». نشریه مشرق موعود، سال سوم، ش ۱۱.
- ذکابی، محمدسعید (۱۳۷۰). «امپریالیسم فرهنگی رسانه». فصلنامه رسانه، سال دوم، ش ۸.
- رضایی، عبدالعلی و مهدی اسلامی (۱۳۹۱). بررسی تأثیرات متقابل فناوری اطلاعات و ارتباطات با فرهنگ. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سعیدی، روح‌الامین (۱۳۸۹). «بررسی نقش فرهنگ به عنوان ابزار قدرت نرم با تأکید بر قدرت نرم ایالات متحده آمریکا». فصلنامه رهاورد نور، ش ۵۶.
- شجاعی زند، علیرضا؛ محمدرضا طالبان و نادر صنعتی شرقی (۱۳۸۹). «بررسی رابطه جهانی شدن فرهنگی و عرفی شدن فردی با تأکید بر نقش عوامل زمینه‌ای؛ مطالعه بین‌ملتی». فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال اول، ش ۱.
- شهرتی فر، محمد (۱۳۸۷). «تاریخچه فناوری ارتباطات و اطلاعات». نشریه عصر فناوری اطلاعات، ش ۳۸ (آذر ماه).
- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۲). تکنولوژی اطلاعات و حاکمیت ملی. تهران: وزارت امور خارجه.
- ضیایی پرور، حمید (۱۳۸۶). جنگ نرم: ویژه جنگ رسانه‌ای. تهران: ابرار معاصر.
- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۴). «ارتباطات و توسعه: چهار دهه نظریه پردازی... و امروز؟». نشریه رسانه، سال دوازدهم، ش ۲.
- قاضی‌زاده، علیرضا (۱۳۸۹). «واکاوی تأثیر فرهنگ سیاسی بر تأمین امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران». مجموعه مقالات امنیت نرم در جمهوری اسلامی، جلد ۲. تهران: دانشکده امام‌هادی (ع).
- کریمی، غلامرضا (۱۳۹۰). «ارتباطات فرهنگی بین‌المللی و تأمین امنیت جهانی». فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، ش ۲.
- گروه تحقیق (۱۳۸۴). «جهانی شدن ارتباطات و تهدیدهای امنیت ملی ما». فصلنامه راهبرد، ش ۳۶.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶). جهانی شدن فرهنگ و هویت. تهران: نی.
- لعل‌علیزاده، محمد و مؤگان احمدپوراردجانی (۱۳۹۰). «جهانی شدن فرهنگ و قدرت نرم؛ ضرورت سیاستگذاری جدید با رویکرد نرم‌افزارانه». فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، پیش‌شماره ۳.
- مزینانی، احمد (۱۳۸۹). «آسیب‌های وهم‌باوری و خرافه‌گرایی اعتقادی و تأثیر آن بر امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران». مجموعه مقالات امنیت نرم در جمهوری اسلامی، جلد ۲. تهران: دانشکده امام‌هادی (ع).
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۸). ارتباطات در جهان معاصر: تحول اندیشه‌ها، نهادها و عملکردهای ارتباطی. تهران: نشر شهر.
- مولایی کرمانی، بتول؛ محمود و محمد عباس‌زاده (۱۳۹۰). «مطالعه جامعه‌شناختی رسانه‌های جمعی

به مثابه ابزاری در قدرت نرم؛ با تأکید بر انقلاب اسلامی». فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، پیش شماره ۳.

- ناجی راد، محمدعلی (۱۳۸۴). جهانی شدن تروریسم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نائینی، علی محمد (۱۳۸۵). «امنیت فرهنگی: نظریه‌ها و رویکردها». فصلنامه عملیات روانی، ش ۱۴.
- نائینی، علی محمد (۱۳۹۱). اصول و مبانی جنگ نرم. تهران: ساقی.
- نقیب‌السادات، سیدرضا (۱۳۸۲). جهانی سازی. تهران: کتاب صبح.
- یعقوب پور، مهدیه (۱۳۹۰). «تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر هویت ملی». دو ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۶۸-۲۶۷.
- Castells, M. (1994). "European Cities, the Informational Society and the Global Economy". *New Left Review*, 204.
- Clark, I. (1997). **Globalization & Fragmentation**. Oxford University Press.
- Elliot, L. & D. Atkinson (1998). **The Age of Insecurity**. London: Verso.
- Fischer, Markus (2006). "Culture and Foreign Politics". In the Limits of Culture: Islam and Foreign Policy, he MIT Press Cambridge, Massachuserrs.
- Friedman, J. (1994). **Cultural Identity & Global Process**. London: sagf.
- Owen, J. (1999). **The City and Identity**. in Skelton and Allen.
- Taylor, D. (1987). **Incipient Fundamentalism**. In L. Caplan.
- Wilson III, E.J. (?). **Globalization, Information Technology, and Conflict in the Second and Third Worlds: A Critical Review of the Literature, Project on World Security**. Rockefeller Brothers Fund. New York: Rockefeller Brothers Fund, Inc.
- [www.rbf.org/pdf/Wilson-Info-Tech.pdf](http://www.rbf.org/pdf/Wilson-Info-Tech.pdf)[05.19.2005]

